



ترجمه تفسیر نور

از مصطفی خرم دل

نشر احسان

تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل استاد دانشگاه کردستان و عضو هیئت علمی آن دانشگاه می باشد. این تفسیر تاکنون توسط نشر احسان در تهران ۶ بار به چاپ رسیده است.

چاپ اول: سال ۷۱، قطع رحلی، ۷۶۴ ص، ۱۰/۰۰۰ نسخه.

چاپ دوم: سال ۷۴، قطع رحلی، ۷۶۴ ص، ۱۰/۰۰۰ نسخه.

چاپ سوم: سال ۷۹، با تغییر صفحه آرای جدید، در قطع رحلی، ۱۳۴۸ ص، ۵/۰۰۰ نسخه.

چاپ چهارم: سال ۸۰، قطع رحلی، ۱۳۴۸ ص، ۵/۰۰۰ نسخه.

چاپ پنجم: سال ۸۱، قطع رحلی، ۱۳۴۸ ص، ۵/۰۰۰ نسخه.

چاپ ششم: سال ۸۴ با تغییر صفحه آرای در قطع وزیری، ۱۳۶۲ ص، ۱۰/۰۰۰ نسخه.

جمعاً تا کنون از این تفسیر نفیس ۴۵۰۰۰ هزار جلد چاپ و منتشر گردیده است.

مؤلف محترم برای تألیف این اثر گرانبها از ۴۸ منبع از تفاسیر معتبر شیعه و سنی و کتاب های علوم قرآنی استفاده کرده است. برای اطلاع بیشتر از نحوه کار این مؤلف محترم در این تفسیر مقدمه مؤلف تقدیم می گردد.

پیشگفتار

الحمد لله الذی هدانا لالدین الاسلام، و الصلاة والسلام علی نبینا محمد خیر الانام و علی اله و صحبه العظام و جمیع المؤمنین المتقین الکرام.

سعادت دنیا و آخرت انسان ها در بررسی و کشف حقایق بیشتر دو کتاب بزرگ یزدان است: ۱. قرآن، که کتاب خواندنی و معجزه جاویدان و سند حقانیت آئین اسلام است و پیوسته بسان خورشید تابان بر تارک زمان درخشان و همه مردمان را به تحدی می خواند و نه تنها یکایک دانشمندان، بلکه اگر جملگی ایشان برای نگارش سوره ای همسان یکی از سوره های قرآن دست

به دست هم دهند، از انجام چنین کاری درمانده و ناتوان می گردند.^۱

۲. جهان، که کتاب دیدنی طبیعت است، و از آنجا که ساخته و معجزه آفریدگار سبحان است، کسی قادر به آفرینش و افزایش ذره ای بر ذرات آن نمی باشد.^۲

هر چه بینشها وسیع تر و دیدها عمیق تر گردد و مطالعه و تحقیق درباره این دو کتاب خداوندگار هستی بیشتر انجام گیرد، رموز و اسرارشان بهتر جلوه گر می شود، و حقایق تازه تری از آنها به دست می آید.

همان گونه که دانشمندان در گذر زمان، طبیعت را با معیار و میزان موجود در خود طبیعت سنجیده اند، و با کلنگ طبیعت، مواد را کاویده و زیر و رو کرده اند، و به شگفتی هایی از راز و رمز نهفته در زوایای گیتی پی برده اند، و این همه نوآوریها را به دنیا ارمغان داشته اند، به همین منوال هم اگر فرزندان آیات قرآنی را با خود قرآن تفسیر و تبیین کنند، و با تلاش جانانه و سعی مخلصانه، حقائق زیبا و اسرار والای این کتاب سترگ و معجزه بزرگ آسمانی را کشف و منعکس سازند تفاسیر معتبر سودمندی را به مؤمنان ارمغان می دارند.

البته این عمل از دید دانایان پرهیزگار بدور نمانده است و تفسیرهای ارزشمندی در این راستا نگارش یافته است. اما پویندگانی هم بوده اند که این سبک را پیش نگرفته اند، بلکه با روش های گوناگون دیگری دست بدین خدمت ارزنده یازیده اند. یکی از زاویه ادبی، دیگری از ناحیه فلسفی، برخی بر اساس احادیث نبوی، دسته ای از نظر تاریخی، گروهی از لحاظ علوم طبیعی و دانش جدید زمان، و ... به نگارش تفسیر قرآن پرداخته اند و تفاسیر مطول و متوسط و مختصر با ارجی را از خود به یادگار گذاشته اند.

از آنجا که اینجانب به کتب تفسیر علاقه وافر دارم و کم تر تفسیری است که تهیه نکرده باشم، چند سال پیش تفسیری را به نام «المنتخب تألیف انجمن قرآن و سنت» مصر، خریداری کردم. در این تفسیر یک جلدی، مؤلفان متن قرآن را در بالای صفحات قرار داده و معنی آیات را در زیر آنها نوشته اند و با شماره مربوطه مشخص داشته اند. سخت شیفته آن گشتم و بر آن شدم این تفسیر را به فارسی برگردانم و معانی واژه ها و بندهای مشکل هر آیه را نیز بر ترجمه آن بیفزایم. بعد از مدتی کار و کوشش، متوجه شدم که بعضی از تفاسیر دیگر در معنی برخی از آیات راهیاب تر و به مقصود وافی ترند. تصمیم گرفتم از باغ پرگل مجموعه تفاسیری که در دسترس است به گلچین معانی پردازم و همچون زنبور عسل بر بهترین شکوفه ها و خوشبوترین گلها بنشینم و انگبینی دل انگیزتر و مفیدتر تهیه بینم و بر سفره دوستان بچینم. شش سال پر کشیدن بدین گلزار و آن گلزار، و مکیدن شیر این گل و آن گل، توانستم شهد فائق و معطر سی جزء قرآن را بر خوان

دوستان نهم. تا مزه آن به مزاج بر سفره نشستگان چه باشد.
این گلچین را «تفسیر نور» نامیده‌ام، چرا که خود فرستنده قرآن، پروردگار جهان، کتاب
خود را نور نامیده است.^۳

شیوه نگارش

۱. معنی هر آیه‌ای را به گونه گویا و رسا نوشته و شماره آن را در سمت راست برگردان قرار داده‌ام. مفاهیم افزون بر واژه‌های ظاهری عبارات قرآنی را در داخل پرانتز نوشته‌ام، به نحوی که واژه‌های پیش از پرانتز و بعد از آن، با یکدیگر همخوان و سازگار باشد، و چنانکه مطالب داخل پرانتز خوانده نشود، ماقبل و ما بعد پرانتز، ترجمه روان و کوتاه آیه بوده، و اگر خوانده شود، تفسیر رسا و مختصر آن بشمار آید. این مفاهیم افزوده در چاپ جدید با رنگ دیگر آمده است.
۲. سعی شده است ترجمه فارسی هر آیه‌ای درست در مقابل متن عربی آن آیه قرار گیرد، و ترجمه‌ها به دنبال یکدیگر ذکر گردند.
۳. واژه‌های مشکل و بندهای قابل توجه یا دشوار هر آیه‌ای را با ذکر شماره خود آن آیه، در پاورقی صفحات قرار داده‌ام، یعنی پاورقی هر صفحه تقریباً فرهنگی برای آیات مذکور در آن صفحه است.
۴. هرگاه در فهم دقایق معانی قرآن، بیان نکات صرفی و نحوی را ضروری و مؤثر تشخیص داده باشم، آن را در برابر واژه‌ها و بندها ذکر نموده‌ام.
۵. برای این که این گلچین، تفسیر قرآن با قرآن هماهنگ با تفاسیر معتبر بوده، و کارم تحقیق باشد نه تقلید، و تفسیر آیات باشد نه تحمیل نظرات، اغلب پس از پایان معنی واژه‌ها و بندها، به آیه‌های دیگر و گاهی به مراجع سخن، با لفظ «نگا» اشاره نموده‌ام.
۶. اگر آیه‌ای، معانی معتبر مختلفی داشته باشد، سعی کرده‌ام معنی مهم‌تر و ارزنده‌تر را در اصل برگردان بگنجانم، و آن گاه در حواشی لغات به معنی یا معانی دیگر اشاره نمایم.
۷. چنانکه رسم الخط قرآنی با رسم الخط املائی کنونی، به گونه‌ای تفاوت داشته باشد که احساس گردد خواننده بر اثر آن چه بسا دچار لغزش یا مشکل شود، به کاهش و افزایش حروف یا تغییر شکل آن اشاره کرده‌ام.
۸. تلاش نموده‌ام گلزار معانی از بوستان آیات ربانی، درست به همان اندازه‌ای گلچین و دسته شود که به هنگام چاپ، متن قرآنی یا نوشته‌های فارسی، یکجا در معرض دید خوانندگان گرامی قرار گیرد، و قاریان محترم به هنگام تلاوت قرآن، به معنی آیات و لغات و نکات دستوری

دسترسی داشته باشند، و از کلام نفیس ربّانی بیشتر و بهتر و ژرف تر استفاده کنند.
خاطر نشان کردن این نکات ضروری است که:

۱. قرآن برنامه زندگی مسلمانان است: کسی که خود را مسلمان می داند، باید مسائل زندگی مادی و معنوی و موضوعات خانوادگی و اجتماعی خود را با قوانین قرآن تنظیم و در پرتو قرآن حرکت نماید. لذا بر فرد مؤمن لازم است تلاوت و بررسی قرآن را جزو برنامه روزانه خویشتن قرار دهد، تا بر اثر تدبّر^۴ در قرآن، اوامر و نواهی آن آویزه گوش دل و جان او گردد. آیا باید برنامه زندگی را فهمید و برابر آن زیست، یا آن را بوسید و در لای پارچه ها پیچید؟

۲. قرآن نسخه آسمانی است: خداوند برای درمان دردهای جامعه انسانی، نسخه ای از آیات قرآنی^۵ را فرو فرستاده است تا مسلمانان دواهای آن را برابر دستور - بدون کم و کاست - بکار ببرند و سلامت عقل و جان، و سعادت دنیوی و اخروی خود را باز یابند. آیا دواهای نسخه را باید خورد و بکار برد، یا از دواهای خوب و خطّ خوانای آن فقط به به گفت؟

۳. قرآن فرمانده کل جهان برای سپاه ایمان است: قرآن نامه سرگشاده ای است که از جانب حاکم جهانیان برای مسلمانان فرستاده شده است تا برابر دستور آن حرکت نمایند و عمل کنند. و با لشکر جهل و کفر و ظلم و زور و هواها و هوسها بجنگند، یا بهتر بگوییم: حزب الله^۶ باشند و بر حزب شیطان^۷ زنند. آیا پسندیده است سربازان قرآن، نامه یزدان را بخوانند و فهمیده یا نفهمیده آن را با تعظیم و تکریم بر هم نهند؟ آیا فرمانده کل جهان از این کار مؤمنان خوشنود می گردد؟

۴. قرآن به زبان عربی و آسان است: خداوند مهربان و بزرگوار قرآن را برای دسته خاصی نفرستاده است و آن را به گونه لغز و چپستان در نیاورده است. بلکه قرآن را به زبان عربی روشن و آشکار^۸ نازل و آن را برای هدایت و رهنمود همگان ساده و آسان^۹ نموده است تا هر کسی که به ریزه کاری های عربی آشنا باشد، معانی و مقاصد این کتاب مقدس را بفهمد و از این دریای بیکران به اندازه گنجایش کوزه علم و فکرش در خود جای دهد. آیا بهتر نیست بجای صرف کردن عمر عزیز در مطالعه و تدریس کتاب های متعدد و مکرر فلسفه و منطق یونانی و هیئت بطلمیوسی و قیل و قال بیسود حواشی، قرآن عربی و سهل و ساده را به جوانان خود بیاموزیم؟ مگر فراموش کرده ایم که پیغمبر (ص) و اصحاب - رضوان الله تعالی علیهم - زندگی نوین را با قرآن شروع کردند و در پرتو نور آن به همه چیز نگرستند؟ آیا نمی ترسیم از روزی که در آن پیغمبر در پیشگاه خدا به شکایت پردازد و بفرماید: پروردگارا اینان به ترک قرآن گفته اند و آن را از کلاس درس و حجره

۵. قرآن اسلحه بران مسلمانان است: مسلمانان صدر اسلام، در زیر پرچم لا اله الا الله، با دو اسلحه تیز و بران به جنگ کافران و منافقان برخاستند و دو ابر قدرت کیاسره و قیاصره ایران و روم را برانداختند. این دو اسلحه یکی قرآن و دیگری سنت نبوی بود. هر دوی اینها در دسترس ما است. لیکن بجای این که آنها را در دست بگیریم و به پیکار بنشینیم، آنها را در پارچه های زیادی پیچیده ایم و بر طاقچه ها نهاده ایم، یا به گورستان ها برده ایم و بجای زندگانی برای مردگان می خوانیم! دشمنان اسلام، خوب می دانند که مایه حیات مسلمانان قرآن است و باید آن را از دست ایشان گرفت. اما برچیدن قرآن از خانه و کاشانه و مساجد مؤمنان ناشدنی است. ولی برگرفتن آن از دل و جان و گستره زندگی آنان، با تلاش بی امان و نیرنگ های نهان انجام پذیر است.

۶. قرآن کتاب اندرز و رهنمود است: خداوند قرآن را به عنوان کتاب اندرز و رهنمود به ما معرفی می فرماید: و القرآن ذی الذکر (ص، ۱/۳۸). ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین (بقره، ۲/۲). و به ما دستور می دهد که مردمان را با قرآن پند و اندرز دهیم: فذکر بالقرآن من یخاف و عید (ق، ۵۰/۴۵). ولی به جای استفاده از قرآن که منبع اصلی اسلام و سازگار با فطرت انسان است، از این کتاب و آن کتاب، مطالب مواعظ و سخنرانی های خود را تهیه می بینیم، مؤمنان را نه با فرموده یزدان، بلکه با گفتار مردمان ارشاد و راهنمایی می کنیم! مگر به ما دستور داده نشده است که قرآن را با مردم بخوانیم؟^{۱۱} و با آن دیگران را به رحمت خدا امیدوار و از خشم او بترسانیم؟^{۱۲} و ایشان را به راستای خداشناسی دهنمود گردانیم؟^{۱۳}

پس ای مسلمانان برای نیل به سعادت در دو جهان، به سوی قرآن برگردید. قرآن را برنامه عملی زندگی خود سازید. دواهی نسخه ربانی و حکیم صمدانی را به تمام و کمال و بجا و بموقع بکار بندید. فرمان خداوند عالم را اجرا نمایید. زبان قرآن را بیاموزید و خودتان شخصاً به نامه خدا بنگرید و آن را فهم کنید. با سلاح آسمانی قرآن مجهز شوید و به پیکار برخیزید، و با قرآن خردها را رهنمود نمایید، و مواعظ آن را آویزه گوش جانها سازید. تا با چشم سر توفیق و مدد خدا را ببینید و شاهد پیروزی را در بغل گیرید. إن فی ذلک لذکری لمن کان له قلب، او الق السمع و هو شهید (ق/۳۷).

امیدوارم کوشش چندین ساله ام در این راه نتیجه خود را ببخشد و مقبول درگاه یزدان و پسندیده شما مؤمنان باشد.

در خاتمه از فرزنانگان پزهیگار انتظار رهنمود و دعای خیر دارم. إن ارید الا الاصلاح ما استطعت و ما توفیق الا بالله

١. و ان كنتم فى ريب مما نزلنا علىٰ عبدنا فاتوا بسورة من مثله ودعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين (بقره/ ٢٣، همچنين [نگا: هود/ ١٣، اسراء/ ٨٨].
٢. هذا خلق الله فأروني ماذا خلق الذين من دونه (لقمان/ ١١)، همچنين [نگا: فاطر/ ٤٠، احقاف/ ١]...
٣. يا ايها الناس قد جاءكم برهان من ربكم و انزلنا اليكم نورا مبينا (نساء/ ١٧٤)، همچنين [نگا: شورى/ ٥٢، تغابن/ ٨]...
٤. كتاب انزلناه اليك مبارك ليدبروا آياته و ليتذكروا لاولوالالباب (ص/ ٢٩)، همچنين [نگا: نساء/ ٨٢، محمد/ ٢٤]...
٥. و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين (اسراء/ ٨٢)، همچنين [نگا: يونس/ ٥٧، فصلت/ ٤٤]...
٦. و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون (مائده/ ٥٦)، همچنين [نگا: مجادله/ ٢٢]
٧. إن الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا، انما يدعو حزبه ليكونوا من اصحاب السعير (فاطر/ ٦)، همچنين [نگا: روم/ ١٩].
٨. إنا انزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون (يوسف/ ٢)، همچنين [نگا: طه/ ١١٣، رعد/ ٣٧، زمر/ ٢٨، فصلت/ ٣، شورى/ ٧، زخرف/ ٣، احقاف/ ١٢]؛ و إته لتنزىل رب العالمين. نزل به الروح الأمين على قلبك لتكون من المنذرين، بلسان عربى مبين (شعراء/ ١٩٢- ١٩٥)، همچنين [نگا: نحل/ ١٠٣].
٩. و لقد يسترنا القرآن للذكر فهل من مدكر (قمر/ ١٧ و ٢٢ و ٢٣ و ٤٠)، همچنين [نگا: دخان/ ٥٨].
١٠. و قال الرسول يا رب ان قومى اتخذوا هذا القرآن مهجوراً (فرقان/ ٣٠).
١١. نگا: اسراء/ ١٠٦.
١٢. نگا: شورى/ ٧.
١٣. نگا: مائده/ ١٥ و ١٦.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی